

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه آزاد اسلامی**

**واحد تهران مرکزی**

**دانشکده حقوق، گروه حقوق خصوصی**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق (M.A.)**

**گرایش: حقوق خصوصی**

**عنوان:**

**مسئولیت مدنی ناشی از لطمه به عواطف و احساسات**

**استاد راهنما:**

**آقای دکتر مهدی یوسفی صادق لو**

**پژوهشگر:**

**معصومه صدر جهانی**

**زمستان ۱۳۹۵**

تقدیرم به:

بمسرمهربان و نخبم و فرزندان دلبندم الهام خانم، آقامهدی، آقا علی، که همواره در همه حال هوای مراداشتند و همیشه پشتیبان من بودند و زمانیکه درس میخواندم مانند کوبی به آنها تکیه می کردم و اسحق که بعد از خداوند تبارک و تعالی خانواده کسانی بودند که به آنها تکیه کرده ام و روی آنها حساب باز نمودم.

## شکر و قدردانی:

اول از همه از خداوند تبارک و تعالی شکر می‌کنم بابت همه سلامتی و نعمتهای فراوان که ارزانی داشته‌ومی دانم که هرچه شکر نمایم کم گفته‌ام و نمی‌توانم قدر نعمتهای خداوند را بجای آورده، همچنین از خانواده خوب و مهربانم شکر میکنم که در این روزهای سخت و طاقت فرسا که پر بود از مشکلات و سختی‌ها به‌مراحم پشتیبانم بودند و مرا یاری کردند و همچنین شکر میکنم از آقای دکتر مهدی یوسنی صادق‌قلو استاد راهنما و مشاور کرامی که در انجام این پایان‌نامه مرا یاری نموده و خیلی اذیت شدند و اگر کم کاری یا نقصی در مباحث پایان‌نامه باشد متوجه‌بنده بوده و همچنین شکر می‌کنم از همه دوستانی که بطور مستقیم و غیر مستقیم در مباحث این مطالب به‌بنده کمک نموده‌اند.

## تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب معصومه صدرجهانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۹۲۱۶۱۱۰۰۲۷۴ در رشته «حقوق خصوصی» که در تاریخ ۹۵/۱۱/۱۶ از پایان نامه خود تحت عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از لطمه به عواطف و احساسات» با کسب نمره ۱۶/۵۰ و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و .... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: معصومه صدرجهانی

تاریخ و امضاء



معاونت پژوهش و فناوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایدی از خداوند سبحان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه‌ایست  
بجایگاه دانشگاه امامت و تمدن بشری، ماد انجمن و اعصاب بیات علمی و اصدای دانشگاه آزاد اسلامی مشهد می‌گردیم اصول زیر را در انجام  
خاسته‌های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل برائت: التزام بر برائت جویی از حرکت‌ها و رفتار غیر حلالی و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به مثابه‌های غیر علمی می‌آیند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به اجتناب از حرکت‌ها و جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجزیرات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تمهید به رواج دانش و اسناد نتایج تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشجویان به غیر از مولودی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تمهید به رعایت حریم با حرمت با انجام تحقیقات و رعایت جانب تعدد و خودداری از حرکت‌ها حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان‌ها، کشور و کیهان افراد و نهادی مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت‌جویی: تلاش در راستای پی‌جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت‌ها پنهان سازی حقیقت.
- ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تمهید به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کیهان بکاران پژوهش.
- ۹- اصل منابع ملی: تمهید به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن بیشتر دو توسعه کشور در کیهان مراکز پژوهش.

## بسمه تعالی

در تاریخ: ۹۵/۱۱/۱۶

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم معصومه صدرجهانی از پایان نامه خود دفاع نموده و  
با نمره ۱۶/۵۰ بحروف شانزده و پنجاه صدم با درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

**امضاء استاد راهنما:**

بسمه تعالی  
دانشکده حقوق

«این چکیده به منظور چاپ در پژوهش نامه دانشگاه تهیه شده است»

نام واحد دانشگاهی: تهران مرکزی	کد واحد: ۱۰۱	کد شناسایی پایان نامه: ۱۰۱۲۰۸۰۷۹۳۲۰۶۹
عنوان پایان نامه: مسئولیت مدنی ناشی از لطمه به عواطف و احساسات		
نام و نام خانوادگی دانشجو: معصومه صدرجهانی	شماره دانشجویی: ۹۲۱۶۱۱۰۰۲۷۴	رشته تحصیلی: حقوق خصوصی
تاریخ شروع پایان نامه: ۹۴/۰۶/۲۹	تاریخ اتمام پایان نامه: ۹۵/۱۱/۱۶	
استاد راهنما: جناب آقای دکتر مهدی صادق لو		
چکیده پایان نامه (شامل خلاصه، اهداف، روش های اجرا و نتایج به دست آمده):		
<p>جبران خسارت، از جمله اصول مهمی است که به عنوان پایه اساسی مسئولیت مدنی به رسمیت شناخته شده است. به بیانی دیگر ورود خسارت به هر حق مورد حمایت قانونی اشخاص، موجب مسئولیت عامل ورود آن به جبران ضرر و زیان ناشی از عمل خود می باشد. علاوه براین در راستای جبران خسارت معنوی اختلاف نظرهای فقهی و حقوقی، ناآشنا بودن محاکم با این گونه دعاوی و مشکلاتی که در تقویم و ارزیابی این خسارات وجود دارد، دشواری ها را به عمل آورده است. اما قواعد فقهی و حقوقی مختلفی مبنای دعوی مطالبه خسارت معنوی را تشکیل می دهد و آن را موجه و قابل طرح می سازد. براین اساس هدف ما از پژوهش حاضر مسئولیت مدنی ناشی از لطمه به عواطف و احساسات می باشد. لذا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با کمک اسناد و کتب معتبر حقوقی و فقهی به تحلیل اطلاعات گردآوری شده پرداخته ایم. نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر حاکی از آن است که با جبران مالی خسارت به عواطف و احساسات اگرچه نمی توان وضعیت زیان دیده را کاملاً به حالت سابق اعاده نمود، ولی می توان با پرداخت معادل زیان معنوی در اختیار زیان دیده برای او امکان تسکین آلام روحی را فراهم نمود تا لطمه های وارده به احساسات و عواطف را تا حدودی ترمیم نمود.</p> <p>کلمات کلیدی: خسارت معنوی، جبران خسارت، مسئولیت مدنی، تقویم</p>		

مناسب است

تاریخ و امضاء:

\_\_\_\_\_  
نظر استاد راهنما برای چاپ در پژوهش نامه دانشگاه

مناسب نیست



## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه .....	۱
۱-۱- بیان مساله .....	۲
۲-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش .....	۱۰
۳-۱- اهداف پژوهش .....	۱۱
۴-۱- پیشینه پژوهش .....	۱۲
۵-۱- سوالات پژوهش .....	۱۳
۶-۱- فرضیه های پژوهش .....	۱۳
۷-۱- روش پژوهش .....	۱۴
۸-۱- روش گردآوری داده های پژوهش .....	۱۴
۹-۱- روش تجزیه و تحلیل داده های پژوهش .....	۱۴
۱۰-۱- مشکلات پژوهش .....	۱۵
۱۱-۱- تعریف و شاخص سازی مفاهیم کلیدی پژوهش .....	۱۵
۱۲-۱- سازماندهی پژوهش .....	۱۶
بخش اول: مسوولیت مدنی ناشی از خسارت معنوی .....	۱۸
فصل اول: مسوولیت قراردادی .....	۱۹
<b>گفتار اول : فعل زیانبار .....</b>	<b>۲۱</b>
<b>مبحث اول: تقسیمات فعل زیانبار .....</b>	<b>۲۳</b>
<b>بند اول - لزوم نامشروع بودن فعل زیانبار .....</b>	<b>۲۳</b>
بند دوم - شرایط توجیه کننده عمل زیانبار .....	۲۴
مبحث دوم: مسوولیت های مدنی ناشی از فعل زیانبار عمدی .....	۲۵
مبحث سوم: مسوولیت های مدنی ناشی از فعل زیانبار غفلت .....	۲۶
مبحث چهارم: مزاحمت .....	۲۸
مبحث پنجم: مبانی فقهی .....	۲۹

۲۹	الف) قاعده لاضرر.....
۳۲	ب: قاعده غرور.....
۳۶	گفتار دوم: ورود ضرر.....
۳۷	مبحث اول: مبانی فقهی.....
۳۸	مبحث دوم: مبانی حقوقی.....
۴۰	گفتار سوم: رابطه علیت.....
۴۱	مبحث اول: رابطه علیت بین فعل زیانبار و سرمایه معنوی اشخاص.....
۴۲	مبحث دوم: رابطه علیت بین میزان خسارت و فعل زیانبار.....
۴۴	گفتار چهارم: تقصیر.....
۴۸	مبحث اول: راههای اثبات تقصیر در خسارت معنوی.....
۵۰	مبحث دوم: ادله اثبات تقصیر.....
۵۲	فصل دوم: مسئولیت مدنی (قهری).....
۵۲	گفتار اول: مبانی ضمان قهری در قبال خسارت معنوی.....
۵۳	مبحث اول: مبانی اخلاقی.....
۵۴	مبحث دوم: مبانی فقهی.....
۵۵	مبحث سوم: مبانی حقوقی.....
۵۶	گفتار دوم: مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران.....
۵۹	مبحث اول: ایجاد مسولیت مدنی در حوزه حقوق عمومی.....
۶۱	مبحث دوم: ایجاد مسولیت مدنی در حوزه حقوق خصوصی و قانون مسولیت مدنی.....
۶۳	مبحث سوم: قانون مجازات اسلامی در حوزه حقوق جزای اسلامی و سایر قوانین.....
۶۳	مبحث چهارم: رویه عملی دادگاهها.....
۶۵	گفتار سوم: خلاهای قانونی.....
۶۶	مبحث اول: فقدان رویه قضایی.....
۶۹	مبحث دوم: عدم تمایل محاکم به صدور رای درباره خسارت معنوی.....
۷۲	مبحث سوم: عدم امکان تقویم مالی خسارت معنوی و امکان سوء استفاده از این مقوله در جامعه ایران.....
۷۴	بخش دوم: مسولیت مدنی ناشی از ورود زیان به عواطف و احساسات.....

فصل اول: ایجاد مسوولیت .....	۷۴
گفتار اول: طبقه بندی خسارتهای معنوی .....	۷۴
مبحث اول: خسارت به عواطف و احساسات اشخاص .....	۷۵
مبحث دوم: خسارت به سرمایه معنوی اشخاص .....	۷۶
مبحث سوم: خسارت به حیثیت اشخاص .....	۷۷
مبحث چهارم: خسارت به آبرو و اعتبار شخص .....	۷۸
مبحث پنجم: خسارت به آزادی اشخاص .....	۷۸
گفتار دوم: زیان به عواطف و احساسات در قوانین موضوعه ایران .....	۸۰
مبحث اول: اصل بیست و دوم قانون اساسی .....	۸۱
مبحث دوم: اصل سی و هشتم قانون اساسی، منع شکنجه عواطف .....	۸۲
مبحث سوم: قانون مجازات اسلامی و جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص .....	۸۴
مبحث چهارم: قوانین مدنی .....	۸۶
مبحث پنجم: سایر قوانین .....	۸۷
مبحث ششم: نمونه ای از آراء محاکم .....	۸۸
گفتار سوم: زیان به عواطف و احساسات بخاطر برهم خوردن نامزدی .....	۸۹
مبحث اول: استناد به قاعده موجود در اصل چهلم قانون اساسی .....	۹۴
مبحث دوم: اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی .....	۹۴
مبحث سوم: ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی .....	۹۵
مبحث چهارم: لزوم قانونگذاری در مورد لطمه به احساسات و عواطف بخاطر برهم خوردن نامزدی .....	۹۷
فصل دوم: امکان جبران خسارت .....	۹۸
گفتار اول: نظریات فقها در خصوص جبران خسارت .....	۹۹
مبحث اول: آیات قرآن مجید .....	۹۹
مبحث دوم: روایات معصومین .....	۱۰۰
مبحث سوم: نظریات فقها .....	۱۰۲
گفتار دوم: راه حل‌های حقوقی جبران خسارت معنوی .....	۱۰۵
الف - جبران خسارت معنوی با مال .....	۱۰۷

- ب - جبران زیان‌های معنوی از طریق غیر مالی ..... ۱۰۸.
- مبحث اول: جبران خسارت معنوی از منظر قانون اساسی ..... ۱۱۰.
- مبحث دوم: جبران خسارت معنوی از منظر قانون مدنی ..... ۱۱۱.
- مبحث سوم: جبران خسارت معنوی از منظر قانون مسوولیت مدنی ..... ۱۱۲.
- مبحث چهارم: جبران خسارت معنوی از منظر قانون مجازات اسلامی ..... ۱۱۵.
- مبحث پنجم: جبران خسارت معنوی از منظر قانون آیین دادرسی مدنی ..... ۱۱۶.
- مبحث ششم: جبران خسارت معنوی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ..... ۱۱۷.
- مبحث هفتم: جبران خسارت معنوی از منظر سایر قوانین ..... ۱۱۸.
- منابع ..... ۱۲۳.

## مقدمه

انسان براساس فطرت خویش، سرمایه‌ها و حقوق معنوی را به مانند سرمایه و حقوق مادی به رسمیت می‌شناسد. اصولاً حق مالکیت اعم از این که متعلق آن امر مادی یا معنوی باشد از حقوقی است که بشر ماقبل از اجتماعی به آن اذعان و اعتراف داشته است. همچنین در اندیشه‌ی دینی هتک حرمت انسان توسط خود او یا دیگری به منزله‌ی هتک حرمت الهی تلقی می‌شود. چرا که حرمت او بالاتر از مهم‌ترین حرمت‌های الهی دانسته شده است. بنابراین شناسایی حرمت و کرامت انسان ایجاب می‌کند که حقوق و منافع معنوی وی مورد حمایت قرار گیرد. در تعالیم اخلاقی اسلام، مفاهیمی چون غیبت، تهمت، استهزا و غیره مبین عنایت حفظ حرمت انسان و برخورد با متجاوز حقوق معنوی او است.<sup>۱</sup> درحقیقت تعادل روحی، سلامتی جسم، اعتبار، احساسات، عواطف، هنر، دانش و آزادی از جمله سرمایه‌های معنوی انسان به شمار می‌آیند که از جایگاه برجسته‌ای برخوردارند. تجاوز به هر یک از سرمایه‌های مذکور، شکل دهنده خسارت معنوی است. بنابراین خسارت معنوی درد و رنجی است که در نتیجه از دست دادن سلامتی جسمی پدید می‌آید یا ناراحتی روانی است که در زیان دیده به جهت خدشه وارد شدن به احساسات و عواطف و روان یا ملاحظه درد و رنج پدید آید.<sup>۲</sup>

همچنین اکثر کشورها در دهه‌های گذشته، ضرر و زیان معنوی را غیرقابل جبران می‌دانستند و به این دلیل دادگاه‌ها از صدور حکم به جبران آن خودداری می‌نمودند. از این رو موضوع ضرورت و امکان جبران ضرر معنوی، موجب بروز بحث‌های زیادی بین علمای حقوق گردیده است چرا که در شرایط زندگی امروز، دیگر تحمل ضرر منحصر به موردی نیست که شخص نفع مادی را از دست می‌دهد بلکه لطمه‌های روحی، آسیب‌های روانی و خسارت معنوی اهمیت زیادی یافته است. به گونه‌ای که انسان در برابر لطمات معنوی نیز آسیب پذیر شده است. لطماتی که گاه آشکار نیست و از درون به

---

<sup>۱</sup> نقیبی، سید ابوالقاسم، ۱۳۸۶، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر. چاپ ۲، تهران، موسسه‌ی انتشارات

امیرکبیر، ص ۱۲۴

<sup>۲</sup> نیک فرجام، زهره، ۱۳۹۲، جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱، ص ۱۰۷

انسان آزار می‌رساند. به همین دلیل در شرایط زندگی صنعتی، ارجح بودن جبران ضررهای مادی نسبت به ضررهای معنوی مورد تردید و بحث می‌باشد. لذا باتوجه به آنچه که مطرح گشت و اهمیت موضوع مورد بحث، هدف ما از پژوهش حاضر بررسی مسئولیت مدنی ناشی از لطمه به عواطف و احساسات می‌باشد.

## ۱-۱- بیان مسأله

ورود خسارت به هر حق مورد حمایت قانونی اشخاص، موجب مسئولیت عامل ورود آن به جبران ضرر و زیان ناشی از عمل خود می‌باشد. این مسئولیت که مسئولیت مدنی نامیده می‌شود مبتنی بر قانون و نیز اصول شناخته شده حقوقی است. موضوع این خسارات ممکن است حقوق مادی یا معنوی اشخاص باشد.<sup>۳</sup> اگر بعضی از افراد بدون کوچکترین دغدغه به خود اجازه می‌دهند به دیگران اهانت کنند، تهمت بزنند، بدآموزی نمایند، یا اسرار دیگران را فاش کنند، پیمانهای عاطفی را خدشه دار نمایند، مفاسد اخلاقی را رایج سازند و اشاعه اکاذیب نمایند، معمولاً اکثر مراجع قانونی و قضائی برای فراهم کردن ضمانت اجرای موثر برای این گونه خسارتهای اتمام می‌ورزند و فقدان قوانین جامع و رویه قضائی واحد ما را بر آن داشت که تا اندازه توان خود در پیدا نمودن راه‌های موثر برای احقاق حق خسارت دیدگان تلاش نماییم. جبران خسارتهای مادی و معنوی یکی از موضوعات مهم و درعین حال کاربردی در روابط حقوقی بین افراد جامعه می‌باشد.

شاید تعریف نسبتاً جامعی که بتواند زیان معنوی را تبیین و با نظام حقوقی ما تطبیق کند آن است که بگوییم: خسارت معنوی عبارت است از خسارت وارده به حیثیت یا اعتبار و شخصیت و جسم و روح و آزادی و هر حق دیگر قانونی فرد که جنبه مادی ندارد. این تعریف اصل ۱۷۱ قانون اساسی و منظوری که در گنجاندن آن در میان اصول قانون مذکور بوده و توسط رییس مجلس بررسی نهایی قانون مزبور به عنوان تمثیل، خسارت وارده بر بدن و آبروی فرد تعبیر شده است.<sup>۴</sup> به تعبیری دیگر تجاوز به حقوق

<sup>۳</sup> سلطانی نژاد، هدایت الله، ۱۳۸۰، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، بی‌چاپ، تهران، نورالثقلین

<sup>۴</sup> پروین، فرهاد، ۱۳۸۰، خسارات معنوی در حقوق ایران، چاپ اول، ص ۹۱

غیرمالی انسان، حتی لطمه زدن به احساسات دولتی، خانوادگی و مذهبی و نیز درد و رنجی که در نتیجه حادثه ای عارض می‌شود، امروزه می‌تواند مجوز مطالبه خسارت معنوی باشد. به بیانی دیگر خسارت معنوی، زیانی است که به حیثیت، آبرو یا عواطف و احساسات اشخاص وارد شده باشد. تجاوز به حقوق غیرمالی انسان و لطمه زدن به احساسات دوستی، خانوادگی، مذهبی و درد و رنجی که در اثر حادثه ای ایجاد میشود نیز خسارت معنوی است و این موارد امروزه میتواند مجوز مطالبه ی خسارت معنوی باشد. بنابراین موضوع خسارت معنوی، حقوق معنوی اشخاص می‌باشد.<sup>۵</sup> حقوق معنوی دارای مصادیقی است که لطمه به آن دعوی مطالبه خسارت معنوی را سبب می‌شود. حقوق معنوی یا مرتبط با هویت افراد است یا مرتبط با شخصیت آنان که در وجهه عاطفی، عقلانی و اجتماعی ظهور می‌یابد. این حقوق ادیان الهی و نظام های پیشرفته حقوقی مورد حمایت قرار گرفته است.

به هر حال صاحب نظران آسیب های معنوی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرده اند:

۱- زیان های وارده به حیثیت و شهرت و به طور خلاصه آنچه در زبان عرف، سرمایه یا دارایی معنوی شخص است.

۲- لطمه به عواطف و ایجاد تالم و تاثر روحی که شخص با از دست دادن عزیزان خود با ملاحظه درد و رنج آن ها می‌بیند.<sup>۶</sup>

ویژگی مسئولیت عبارت از این است که تاجایی که دقیقاً امکان پذیر است، تعادل از بین رفته به وسیله ی زیان را، مجدداً برقرار سازد و زیان دیده را در وضعی قرار دهد که اگر عمل زیان بار تحقق نمی‌یافت، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. البته باید توجه داشت که جبران زیان های وارد شده، به گونه ای که وضع زیان دیده به صورت پیشین خود برگردد، ممکن نیست. چون زمان به گذشته بر نمی‌گردد، ناگزیر باید تا جایی که عرف می‌داند، ضرر جبران شود.<sup>۷</sup> به بیانی دیگر قواعد و هنجارهای خاصی در جامعه وجود دارد که در موقعیتهای گوناگون انجام اقدامات خاصی را بر شهروندان تحمیل می‌سازد.

<sup>۵</sup> صفایی، حسین، ۱۳۵۵، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران، مرکز تحقیقات، ص ۲۴۰

<sup>۶</sup> کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۰، ضمان قهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

<sup>۷</sup> خدابخشی، عبدالله، ۱۳۸۸، بیمه و حقوق مسئولیت مدنی، چاپ ۱، تهران، ص ۱۲۳

منشا لزوم این رفتارها قوانین و مقررات است که اگر نقض آن ها توام با خسارت به دیگری باشد، موجب تحقق مسئولیت مدنی می‌شود، اما در کنار تکالیف خاصی که در قانون معین می‌گردد، یکدسته تعهد و تکلیف کلی بر همگی تحمیل می‌شود که در عملکرد و رفتار خویش احتیاط پیش گیرند و مراقبت لازم جهت عدم ایراد خسارت به دیگران لحاظ کنند، این تعهدات کلی بر معیار و الگوی شخص متعارف ایجاد می‌گردد.<sup>۸</sup> درحقیقت قانون مسئولیت مدنی ناشی از اصل عدالت است و در مقام آن است که هیچ ضرری تا آن جا که ممکن است بلاتدارک نماند. وظیفه ی قانونی نسبت به عدم اضرار به دیگری و وجوب پرداخت خسارت، احکام تکلیفی‌اند و اشتغال ذمه به خسارت، یک نوع حکم وضعی است که با حکم تکلیفی عدم اضرار به دیگری ارتباط داشته و زمینه ساز حکم به تعهد جبران خسارت است. بنابراین مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانون به حق دیگری لطمه زند و در اثر آن زیانی به او وارد آورد.<sup>۹</sup>

جبران در لغت به ضم جیم از ریشه « جبر » به معنای استدراک زیان و تکمیل است در فقه: به برگرداندن وضعیت زیان دیده به حالت پیشین جبران گویند بنابراین چنین اصطلاحی در حقوق خصوصی زمانی موضوعیت می یابد که در درجه اول خسارتی به کسی وارد شده باشد و از دیگر سوی آن خسارت از سوی غیر باشد و همچنین غیر زیان رساننده باید مسئولیت داشته باشد. بدون تحقق هر یک از موارد پیش گفته امکان جبران فراهم نمی‌شود، زیرا اگر کسی به خود زیانی وارد کند، خسارتی است که به خود زده و باید متحمل آن شود. همچنین هر غیری نمی تواند از عهده خسارت وارد شده به دیگری بر آید بلکه باید کسی باشد که ذمه او ضمان پذیر باشد، بنابراین اگر حیوان کسی به دیگری بی آنکه صاحبش در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، خسارت وارد کند و یا کسی مالی در اختیار دیوانه ای قرار دهد و او را ضایع کند، دیوانه مسئول نخواهد بود. گاهی ممکن است ورود خسارت به مال شخصی، به خواست صاحب آن باشد مثل اینکه به لودر می گوید خانه من را خراب کن، اینها جزء قاعده اقدام

---

<sup>۸</sup> مرادزاده، حسن، ۱۳۹۰، حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت در نظام مسئولیت مدنی، تهران، موسسه پژوهش ها و مطالعات حقوق

دانش، چاپ اول، ص ۲۰۶

<sup>۹</sup> حکمت نیا، محمود، ۱۳۸۶، مسئولیت مدنی در فقه امامیه. چاپ ۱، قم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۶



است و خسارتی نیست که برای لودر مسئولیت ایجاد کند. فعل نیرویی است که از انسان یا موجود زنده دیگر یا اشیاء حاصل می‌شود بنابراین فعل از نیرو ناشی می‌شود تا نیرو نباشد فعلی حاصل نمی‌شود. حال نتیجه حاصل از فعل ممکن است زیانبار باشد و موجب مسئولیت شود چند مورد وجود دارد که فعل واقع می‌شود و توسط فعل خسارت به افراد واقع می‌شود ولی برای شخص مسئولیتی برای جبران خسارت وجود ندارد و این موارد عبارتند از: دفاع مشروع، امر آمر قانونی، فورس ماژور. البته فورس ماژور به طور مطلق رافع مسئولیت نیست و دو استثنا برای آن وجود دارد که آن دو مورد عبارتند از مسئولیت غاصب و مسئولیت شرکتهای هواپیمایی<sup>۱۰</sup>.

پس از آنکه ضرر محقق گردید عامل ورود زیان باید نتیجه کار نامشروع خود را تحمل کند و وضع زیان دیده را به صورت پیشین در آورد با ورود خسارت عامل ورود خسارت باید جبران کند و این تدبیر از آنجا ناشی شده که هیچ کس نباید با افعال و اعمال نامشروع به هموعان خود خسارت وارد نماید

در حقوق امروز، دیگر تحمل ضرر منحصر به موردی نیست که شخص نفع مادی را از دست می‌دهد. لطمه های روحی اهمیت زیادی پیدا نموده و انسانها در مقابل لطمات معنوی آسیب پذیرتر گردیده اند. آسیبی که گاه نمودار نیست ولی از درون به انسان آزار می‌رساند. وانگهی مسئولیت در جبران صدمه های اخلاقی و روحی، وسیله حقوقی مناسبی برای حمایت از شخصیت انسان و حقوق مربوط به آن است. به همین جهت، امروز بحثها درباره لزوم جبران خسارت معنوی پایان یافته و جز معدودی از نظامهای حقوقی، اندیشمندان و قانون گذاران به اتفاق رسیده اند که ضرر معنوی مانند خسارت مادی جبران گردد<sup>۱۱</sup>. متعلقات مادی و متعلقات غیر مادی انسان اگر چه با هم دو بعد آدمی را تشکیل می‌دهند ولی از لحاظ ماهیت آنچنان، با هم تفاوت دارند که گویی دو دنیای متفاوتند و هر کدام معیارهای خاص

---

<sup>۱۰</sup> نقیبی، سید ابوالقاسم، ۱۳۸۶، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر. چاپ ۲، تهران، موسسه ی انتشارات

امیرکبیر

<sup>۱۱</sup> کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد «ضمان قهری مسئولین مدنی غصب واستیفاء» انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۳۸۶، صفحه

خود را دارند این موضوع باعث شده که برخی معتقد شوند که زیان معنوی قابل جبران نیست و جز در برخی موارد بشر توان جبران خسارت معنوی را ندارد<sup>۱۲</sup>. بی گمان ضرر معنوی را می توان به وسیله مناسب مانند الزامه به معذرت خواهی و درج آن در جراید کشور جبران کرد، ولی مشکلی که وجود دارد این است که ضررهای معنوی را نمی توان با پول جبران کرد و آنچه از دست رفته است با پول جبران نمی شود. در ذیل دلایل مخالفین و موافقین بررسی می گردد

در اصل لزوم جبران خسارت معنوی و به نحو غیرمادی تردیدی در میان حقوقدانان وجود ندارد. در قوانین موضوعه و فقه هم این امکان مورد تصریح واقع شده است و قابل استنباط می باشد. لیکن آنچه میان اندیشمندان و محاکم موجب چالش ها و اختلافات جدی و بحث انگیز شده، امکان جبران آن به طرق مادی است. امروزه به لحاظ کاربردی نیز به یک ضرورت اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. با دقت در سیستم های حقوقی جاری کشورها در می یابیم که در دو بعد نظری و قانونی، خسارت معنوی در اکثر آنها قابل جبران بوده و تنها در تعداد محدودی از آنها، در این مورد منع یا محدودیت هایی وجود دارد<sup>۱۳</sup>.

با توجه به بررسی مطالعات، اولین نص قانونی در رابطه با ضرر معنوی با ماده ۲۱۲ مکرر قانون مجازات عمومی وارد حقوق ایران شد. متعاقباً ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۲ دامنه مطالبه خسارت معنوی را وسیع تر نمود. تا در سال ۱۳۳۹ قانون آئین دادرسی کیفری به تصویب رسید و حق مطالبه ضرر و زیان معنوی به روشنی در آن قانون تدوین گردید. در بند ۲ ماده ۹ این قانون مطالبه خسارت مزبور به رسمیت شناخته شد و زیان معنوی را شامل کسر حیثیت و اعتبار اشخاص و صدمات روحی می دانست. در نتیجه هردو خسارت حیثیتی و روحی قابل مطالبه بود و بی شک هر متضرر از جرمی اجازه می یافت تا به تبع طرح دعوی کیفری، جبران خسارت معنوی وارده برخوردار را به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم از دادگاه رسیدگی کننده مطالبه کند.

<sup>۱۲</sup> پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، چاپ ۱۳۸۲، انتشارات ققنوس، صفحه ۱۷۶

<sup>۱۳</sup> همان، ص ۱۷۷

به رغم آنچه گذشت، هنوز این تردید وجود داشت که آیا جبران خسارت معنوی تنها به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم قابل مطالبه است یا جبران هر گونه خسارت معنوی را هر چند منشاء مجرمانه نداشته باشد را نیز می توان از دادگاه خواست. تصویب قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ به این تردیدها خاتمه داد و قانونگذار در مواد متعددی<sup>۱۴</sup> خسارت معنوی را قابل مطالبه اعلام نمود. هر چند بعد از تصویب این قانون دعاوی جبران خسارت معنوی رو به فزونی نهاد اما عدم تصریح مقنن به قابل مطالبه بودن صدمات روحی این شبهه را ایجاد می نمود که با توجه به ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری، جبران خسارت معنوی تنها در صورتی قابل مطالبه است که ناشی از جرم باشد.

در مقابل اکثر حقوقدانان با جمع مواد قانونی آئین دادرسی کیفری و قانون مسئولیت مدنی، منحصر کردن مطالبه خسارت صدمات روحی به ضرر و زیان ناشی از جرم را موجب دوگانگی در نظام حقوقی دانسته و قائل به تسری قانون مسئولیت مدنی به اینگونه خسارت ها شدند. اما پس از انقلاب قانونگذار با ذکر در قانون اساسی<sup>۱۵</sup>. این نوع ضرر را قابل مطالبه دانست و با توجه به برتری قانون اساسی نسبت به قوانین عادی حقوقدانان کماکان حکم قانون اساسی را لازم الاتباع می دانند. از اینرو موضوع ضرورت و امکان جبران ضرر معنوی، موجب بروز بحثهای زیادی بین علمای حقوق گردیده است چرا که در شرایط زندگی امروز، دیگر تحمل ضرر منحصر به موردی نیست که شخص نفع مادی را از دست میدهد؛ بلکه لطمه های روحی، آسیبهای روانی و خسارات معنوی هم اهمیت زیادی یافته است. به گونه ای که انسان در برابر لطمات معنوی نیز آسیبپذیر شده است. لطماتی که گاه آشکار نیست و از درون به انسان آزار میرساند. به همین دلیل در شرایط زندگی صنعتی، ارجح بودن جبران ضررهای مادی نسبت به ضررهای معنوی مورد تردید و بحث میباشد.

---

<sup>۱۴</sup> مواد ۱ و ۲ و ۸ و ۹ و قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹

<sup>۱۵</sup> اصل ۱۷۱ قانون اساسی « هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر اینصورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.»

علاوه بر اینها آموزه های اخلاقی اسلام یکی از مهمترین منابع کشف مبانی قواعد حقوقی آن است. مفاهیمی چون غیبت، تهمت، استهزاء از مفاهیمی هستند که روشن کننده توجه به پاسداری از حرمت آدمی و مقابله با متجاوز به سرمایه و حقوق معنوی انسان در دین اسلام می باشند. در نظام اخلاقی اسلام، چنانچه کسی با انگیزه عیب جوئی، پشت سر دیگری با ذکر نام یا اشاره یا کنایه بدگوئی کند، به نحوی که جنبه کشف سر داشته و آن فرد دارای آن ویژگی نیز باشد، وی مرتکب غیبت شده است. غیبت یکی از شایع ترین روش ایراد خسارت معنوی به دیگران از منظر اخلاق اسلامی است. قرآن کریم در چند مورد شدیداً غیبت را مورد نکوهش قرار داده و از آن نهی نموده است. چنان که فرموده است: «وای بر عیب جویان هرزه گوی (همزه ۱) و یا فرموده است: هیچ یک از شما از دیگری غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت مردار برادر خود را بخورد همه شما از این کار کراهت دارید (حجرات/۱۲). در متون اخلاقی آثار لطمه به شخصیت موم به حدی است که نماز و روزه غیبت کننده تا چهل روز مقبول نمی افتد مگر اینکه غیبت شونده او را مورد عفو قرار دهد و همین غیبت موجب محرومیت ابدی او از بهشت می شود. از منظر اخلاق اسلامی غیبت کننده علاوه بر طلب مغفرت از پروردگار و توبه نسبت به عدم ارتکاب مجدد آن باید برای رهایی خویش از آثار آن، رضایت غیبت شونده را که زیان معنوی دیده است جلب نماید، یعنی تمام همت خویش را در خشنودسازی او به کار گیرد.

در نظام اخلاقی دین یکی از طرق ایراد خسارت معنوی بهتان است. بهتان به معنای نسبت داد امری به دیگری به دروغ می باشد. سخره و استهزاء نیز مانند غیبت و تهمت یکی از روشهای ایراد خسارت معنوی است که در متون اخلاقی دین مورد سرزنش و نهی قرار گرفته است. به طور کلی هرگونه ایراد خسارت معنوی به انسان از منظر تعالیم اخلاقی دین مذموم است، از اجایی که حرمت انسان مومن بیش از حرمت کعبه تلقی شده تحقیر و اهانت به مخلوق در حقیقت تحقیر خالق اوست، لذا خوار ساختن او به منزله جنگ با پروردگار به شمار آمده است. بنابراین لزوم رعایت حرمت اشخاص مهمترین آموزه